

در گفت و گویا کارشناسان مطرح شد؛

## انتقال پایتخت کشور امکان پذیر است؟



**سرویس سیاسی** - انتقال پایتخت موضوعی است که روی میز بیشتر روسای جمهور بوده اما تاکنون عملیاتی نشده است. چندی پیش رئیس جمهور کشورمان مسعود پزشکیان از ضرورت جابه‌جایی پایتخت سیاسی و اقتصادی کشور گفته بود، به باور او توسعه تهران با وجود بی‌آبی غیر ممکن است. او در بخشی از سخنان خود گفته بود که چاره‌ای جز انتقال مرکزیت کشور به جنوب و نزدیکی دریا نداریم و البته در نخستین نشست خبری خود در ردای رئیس جمهور مجدداً به این مسأله تأکید کرد. این طرح در حالی توسط رئیس دولت چهارم مورد توجه قرار گرفته که در سالیان گذشته و به‌ه‌های مختلف خصوصاً دوران جنگ تحمیلی روی میز روسای جمهور و مدیران وقت قرار گرفته، اما پس از نظرات کارشناسان مدنی بر غیرممکن بودن موضوع فوق به دست فراموشی سپرده شده است. در دولت روحانی نیز کمیسیون‌بری برای تغییر پایتخت شکل گرفت و پس از برگزاری جلسات مختلف در نهایت این مسأله اجرا بین نشد. آبان سال ۱۳۸۸ مجمع تشخیص مصلحت نظام در مصوبه‌ای بر لزوم انتقال مرکز سیاسی برای بهبود استقرار جمعیت تا پایان سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ تأکید کرد. اما پس از بررسی‌های کارشناسان مختلف ۹۴ نیز شورای نگهبان طرح امکان‌سنجی انتقال مرکزیت سیاسی و اداری کشور و تمرکز زدایی از تهران را تأیید کرده بود، اما برخی مسئولان وقت حوزه شهری هزینه انتقال پایتخت را حدود ۷۸ میلیارد دلار تخمین زده بود. همچنین ابتدای سال جاری احمد و حدی و وزیر کشور سابق نیز در این باره گفته بود که مسأله انتقال پایتخت نیازمند بررسی‌های کارشناسی بوده و هزینه گزافی نیز برای کشور دارد لذا نباید در تصمیم‌گیری پیرامون این موضوع عجله کرد. ابوالفضل ابوترابی عضو کمیسیون شوراها و امور داخلی با اشاره به صحبت‌های اخیر رئیس جمهور مبنی بر انتقال پایتخت اظهار کرد: در سال ۹۴ قانونی به نام ساماندهی تهران و انتقال پایتخت سیاسی و اداری تصویب شد که تاکنون باید عملیاتی می شد اما متأسفانه دولت ما هاتهام ویژه‌ای نسبت به این امر بسیا مهم نداند. در حالی که این پرسه هیچ هزینه‌ای نداشته بلکه سود مهم برای دولت دارد. ابوترابی تأکید کرد: کشورهایی اطراف ما مانند پاکستان و ترکیه انتقال پایتخت را انجام داده اند و ما نیز باید این مسأله را جدی بگیریم چرا که تمرکز بیش از اندازه در تهران، کشور را آسیب پذیر کرده است و ما باید پایتخت‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، علمی و نظامی خود را از یکدیگر جدا کنیم که به این مدل پایتخت‌های منظم‌م‌ای گفته می شود که این سیستم کشور را در برابر بلایهای طبیعی و مسائلی مانند جنگ ایمن می کند. عضو کمیسیون شوراها و امور داخلی افزود: در زمان ریاست جمهوری آقای روحانی چهار جلسه شورای عالی به منظور ساماندهی تهران و انتقال پایتخت با محوریت آقای جهانگیری برای تحقق این امر برگزار شد. در مساماندهی پایتخت ما باید دانشگاه‌های بزرگ و کارخانه‌ها را به مناطق محروم انتقال دهیم. وی تصریح کرد: برای انتقال پایتخت سیاسی نیز چند جلسه با خاتم‌الانبیا، معاون عمرانی وزارت کشور و سازمان پدافند غیرعامل برگزار و نهایتاً خاتم‌الانبیا نامه‌ای به آقای روحانی ارسال کرد که حاضر است پایتخت جدید را بر اساس معماری ایرانی و اسلامی بسازد و ۵۰ درصد فضاهای خالی تهران نیز برای دولت باقی می ماند. همچنین قدرت‌تعلی حشمتیان فعال سیاسی در این باره اظهار کرد: این بحث سالها مطرح است اما کار دشواری بوده و احزاب و تشکل‌های سیاسی بار نظرات کارشناسی خود را به دولت‌ها اعلام کرده اند. در حال حاضر انتقال پایتخت به هیچ وجه امکان پذیر نیست چرا که تمامی وزارتخانه‌ها و ارگانهای کشور در تهران تمرکز هستند، در زمان ریاست جمهوری آقای احمدی نژاد بحث انتقال پایتخت به پرند مطرح شد و البته با توجه به میاورت به تهران و وجود درگاه امام خمینی (ره) در این منطقه این بحث توجیه داشت. حشمتیان متذکر شد: بنده نیز به نمایندگی از احزاب سیاسی به آقای پزشکیان اعلام کردم که انجام چنین کاری نیاز به تحقیق و مطالعه گسترده‌ای دارد و به این سادگی نمیتوان پایتخت را به جنوب انتقال داد و این امر ناشدنی است و فرضاً می‌توان چند وزارتخانه را به کرج، پرند و یا پاکدشت منتقل کرد. رئیس خانه احزاب افزود: در ثانی انتقال پایتخت هزینه بسیار بالایی برای کشور دارد و در حال حاضر مردم اولویتهای بسیار مهمتری دارند که باید توسط دولت به آن پرداخته شود و کنترل تورم و گرانی باید در راس امور دولت قرار بگیرد. لازم است که یک تیم کارشناسی اعم از اقتصاددانان، فعالان اجتماعی، فرهنگی، اساتید دانشگاه و ... به عنوان یک کار گروه بحث انتقال پایتخت را مورد مطالعه کارشناسی قرار دهند و این مسأله‌ای نیست که بتوانیم در کوتاه مدت آن را عملیاتی کنیم. رئیس خانه احزاب گفت: معتقدم که ضرر انتقال پایتخت به شهر دیگر از سود آن بیشتر بوده و به مصلحت کشور نیست که در کوتاه مدت بخواهیم به این مسئله به صورت جدی فکر کنیم چرا که اکنون تهران مرکزیت دارد و تمام ارگان‌های مهم در این منطقه به فعالیت می‌پردازند.

## «علی ربیعی» دستیار اجتماعی

### رئیس جمهور شد



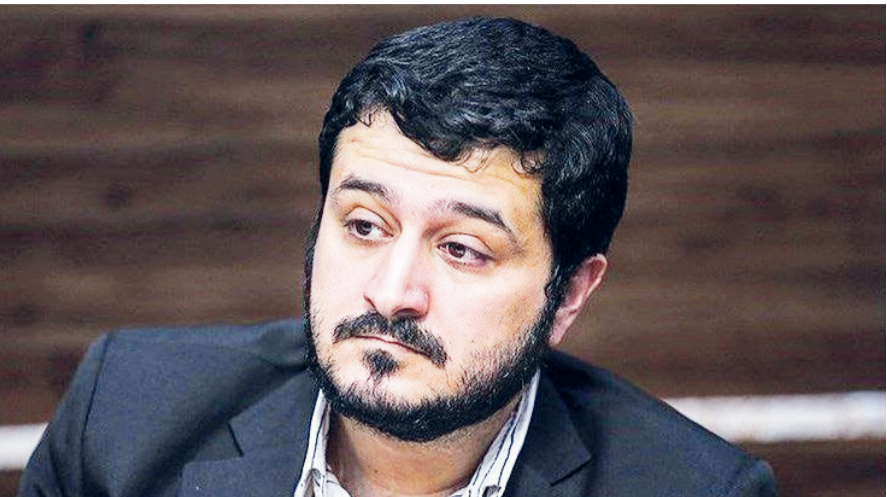
جمهور در حکمی «علی ربیعی» را به عنوان «دستیار اجتماعی خود منصوب کرد و از او خواست که انعکاس دهنده صداهای متکثر جامعه و به ویژه صدای بی صدایان به باشد. رئیس جمهور و ارکان دولتی پایتخت متن این حکم آمده است: با عنایت به مراتب شایستگی، سوابق اجرایی و تجارب ارزشمند جنابعالی در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و ارتباطات اجتماعی، به موجب این حکم به سمت «دستیار اجتماعی رئیس جمهور» منصوب می‌شوید. در بخش دیگری از متن این حکم بیان شده است: امید است با اتکال به خداوند متعال و در چارچوب قانون اساسی، اهداف سند چشم‌انداز، سیاست‌های کلی مصوب مقام معظم رهبری (مدظله‌عالی)، برنامه هفتم پیشرفت و رعایت منشور اخلاقی کارگزاران دولت چهاردهم، ضمن تعامل موثر و سازنده با انجمن‌های علمی، حرفه‌ای و مدنی کشور و استفاده بهینه از نظرات صاحب‌نظران و اندیشمندان این حوزه و همچنین ظرفیت دستگاه‌های اجرایی نسبت به گسترش و تعمیق روابط اجتماعی رئیس جمهور با هدف تقویت و حفظ وفاق ملی و سرمایه اجتماعی دولت اقدام و انعکاس دهنده صداهای متکثر جامعه و به ویژه صدای بی صدایان به این جانب و ارکان دولت باشید. بر اساس این حکم، تفصیل مأموریت‌ها و انتظارات از جنابعالی به پیوست این حکم ابلاغ می‌شود. رئیس جمهور در این حکم تأکید کرد: توفیقات روزافزون آن جناب را در انجام شایسته وظایف محوله در گاه خداوند خوشاستوارم. علی ربیعی متولد ۱۳۳۴ است و سوابق سخنگویی دولت از سال ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۰ را در کارنامه متولد خود دارد. او در دولت‌های یازدهم و دوازدهم بین سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۷ سمت وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی را نیز بر عهده داشت. او استاد دانشگاه‌های تهران و پژوهشگر حوزه جامعه‌شناسی سیاسی و اقتصادی است.

## سیاسی

آیا به جای حمله به فیلترینگ، به فیلترینگ‌ها تاختند؟!

# تاملی بر نخستین جلسه شورای عالی در دولت چهاردهم درباره فیلترینگ

باید دقت کنیم و بدانیم که بسیاری از تصمیم‌گیران این عرصه و آنهایی که مسبب این وضعیت هستند، هنوز در مستند کار حضور دارند و تغییرات در این حوزه انجام نشده است و باید منتظر از راه رسیدنشان باشیم. نکته مهم بعدی که باید مدنظر قرار گیرد این است که رویه دولت، تغییر سریع و فوری نیست.



به راستی دولت چهاردهم به جای رفع فیلتر، سنگ بنای اعمال فیلترینگ را در همان جلسه اول شورای عالی فضای مجازی گذاشته است؟ آیا چکیده مباحث مطرح شده در این جلسه، این داشت چراکه مسایل مطرح شده در آن نشست با چنین عناوینی در رسانه‌ها بازتاب یافت: «خبرسری از رفع فیلتر نیست؛ دستور پزشکیان برای رسیدگی به فروش فیلتر شکن‌ها» تیرهایی که تأکید دارند رئیس جمهور و همکارانش به جای تلاش برای تحقق یکی از وعده‌های جدی خود، به دنبال مقابله با فروشندگان ابزارهای دور زدن فیلترینگ یا به اصلاح فیلتر شکن رفته‌اند و در نتیجه، در مسیری عکس حرکت می‌کنند چراکه مقابله با فیلتر شکن و فروشش یعنی اعمال کامل تر فیلترینگ! اما آیا این گزاره درست است و

تکنیک تا نتیجه بخش باشند.» این اظهارنظرها درحالی است که در دوره‌های مختلف وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، تشکل‌های کارگری بر عملکرد واحد و وضعیت ایمنی و اشتغال کارگران را داشتند. در این حوزه البته انجمن‌های کارفرمایی نیز به صورت بسیار محدودتر سابقه کنش و تأثیر گذاری داشتند. با این وجود دولت وزیر کار برای مشارکت تشکل‌ها و NGOها (وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی) در یادبود جایزاتختگان حادثه معدن زغالسنگ معدنچوی طیس بیان شد. این موضوع البته از منظر بازرسان کار و از نگاه تشکل‌های کارگری ابعاد متفاوتی دارد. یکی از این ابعاد آن است که آیا اساساً ملزومات و زیرساخت چنین مشارکتی وجود دارد؟

احمد میدری در جمع اعضای خانه کارگر با اشاره به اهمیت موضوع کمبود بازرسان و ضرورت بازرسی و نظارت در این حوزه گفت: «ما حدود ۱۳۰۰ بازرس در کل وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی داریم. ما ۸۰۰ بازرس در وزارت کار کم داریم. بسیاری از واحدهای ما هر پنج سال یکبار مورد بازرسی قرار می‌گیرند. در کشورهای دیگر حداقل تشکل‌های بازرسی تشکیل شده که تشکل‌ها و دولت‌ها در آن نماینده دارند و بازرسی می‌کنند. کوچک‌سازی دولت به معنای کاهش نظارت‌های آن نیست و ما باید ابزارهای نظارتی خود را در نقش دولت حفظ کنیم.» وی می‌افزاید: «در روسیه کنار هر ساختمان یک ناظر وجود دارد که هم در کیفیت ساخت و هم استاندارد کار حفظ شود. این ناظر از کنار کار نمی‌نم‌خورد و مثل غریق نیجات دائم نظارت می‌کند. ما اما در معادن ایران چنین چیزی نداریم. ما سالانه هشتصد نفر را حین کار از دست می‌دهیم. در حوزه کار غیر رسمی، کار ساختمانی و دکل بندی بخصوص در شمال کشور حوادث کار منجر به مرگ زیاد می‌درسیم... ما نظارت یکپارچه نداریم و باید سازمان نظارت یکپارچه داشته باشیم. ما اکنون سه نهاد داریم که در وزارت صمت، بهداشت و کار نظارت می‌کنند. ما باید نظارت‌ها را یکپارچه

کنیم تا نتیجه بخش باشند.» این اظهارنظرها درحالی است که در دوره‌های مختلف وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، تشکل‌های کارگری بر عملکرد واحد و وضعیت ایمنی و اشتغال کارگران را داشتند. در این حوزه البته انجمن‌های کارفرمایی نیز به صورت بسیار محدودتر سابقه کنش و تأثیر گذاری داشتند. با این وجود دولت وزیر کار برای مشارکت تشکل‌ها و NGOها (وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی) در یادبود جایزاتختگان حادثه معدن زغالسنگ معدنچوی طیس بیان شد. این موضوع البته از منظر بازرسان کار و از نگاه تشکل‌های کارگری ابعاد متفاوتی دارد. یکی از این ابعاد آن است که آیا اساساً ملزومات و زیرساخت چنین مشارکتی وجود دارد؟

چشم‌بینی نهادهای بازرسی وزارت کار و تابعین اجتماعی باشند اما نه به عنوان بازرس! اگر تشکل‌های کارگری بخواهند نمایندگانی مانند بازرس و بسا همان اختیارات به کارگاه‌ها بفرستند و بازدید به عمل آورده و گزارش حقوقی تنظیم کنند، این اختیارات در قانون تعریف نشده و می‌دهند. تشکل‌ها می‌توانند در کنار بازرسین و وزارت کار قرار گیرند. مشکوری اضافه کرد: باتوجه به دشواری‌ها و کاستی‌های حوزه

هزینه‌های فیلترینگ برای مردم، یعنی خرید فیلتر شکن مطرح شده و رئیس جمهور هم تأکید کرده که بساط این ماجرا را جمع کنید و زمینه‌های ماجرا را از بین ببرید. وی می‌افزاید: این برداشت غلط است که بگویم رئیس جمهور خواستار برچیدن بساط فیلتر شکن‌ها شده، بلکه وقتی ایشان گفته زمینه ماجرا باید از بین برود، یعنی به درستی به فیلترینگ اشاره کرده که زمینه فروش فیلتر شکن و آسیب‌های مشابه است؛ پزشکیان مثل قبل خواستار مقابله با فیلترینگ است، همان‌گونه که دیگر اعضای دولت چنین خواسته‌های را دارند. اما اگر خواسته دولت این است، چرا در این مسیر گامی برداشته هیچ چیز تغییر نکرده است؟ پورطباطبایی در پاسخ به این سؤال می‌گوید: اول از همه باید دقت کنیم و بدانیم که بسیاری از تصمیم‌گیران این عرصه و آنهایی که مسبب این وضعیت هستند، هنوز در مستند کار حضور دارند و تغییرات در این حوزه انجام نشده است و باید منتظر از راه رسیدنشان

باشیم. وی می‌افزاید: نکته مهم بعدی که باید مدنظر قرار گیرد این است که رویه دولت، تغییر سریع و فوری نیست، بلکه به دنبال دایر کردن روانی ثابت و یکسان شدن رویه‌ها هستند تا این گونه نباشد

اما الان این امر رویه مشخصی دارد و بستن این پلتفرم‌ها تنها با طی کردن رویه قانونی مشخص شده، مسأله است. آنچه دولت چهاردهم دنبالش است، این است که این رویه برای سایر پلتفرم‌ها و شبکه‌های اجتماعی خارجی هم اعمال شود و حتی فراتر از آن، مرجع تصمیم

بازرسی، تشکل‌های افرادی را می‌توانند داشته باشند که مانند دوره‌های گذشته اشاره کردیم، به عنوان مطلع و نیروی اجرائی کمکی در بازرسی حضور پیدا کنند و امکان استفاده از آن‌ها با تعامل وزارت کار و تشکل‌ها وجود دارد.

این مدیر بازرسی وزارت کار تصریح کرد: در زمان آقای هفده تن همکاری به تشکل‌های و حوزه بازرسی به صورت رسیده بود و امروز هم می‌توان ظرفیت‌هایی در این حوزه به شکل قانونی آفرید. وی در پاسخ به سؤالی درباره امکان افزایش تعداد بازرسین وزارت کار موجود که از بنده وزارت بازرسی فعالان کارگری و خود وزیر کار اندک هستند، توضیح داد: در این حوزه باید مجوزاتی لازم برای استخدام و افزایش آموزش نیروهای بازرس از طریق سازمان‌های اداری و استخدامی صورت بگیرد. هم اکنون در چارت سازمانی سیستم بازرسی وزارت کار جای خالی وجود دارد، اما بر کردن این جضا می‌تواند در چارت بازرسی کار، نیازمند اخذ مجوزهایی است. این مدیر بازرسی وزارت کار در پایان تأکید کرد: البته چون آقای میدری عنوان استفاده می‌شده، این موضوع که تشکل‌های کارگری به حوزه بازرسی‌های فنی و روابط کاری کمک کنند، در کل کشورهای جهان مرسوم است. بطور کلی از ظرفیت مشارکت‌های اجتماعی شامل تشکل‌ها، نهادهای مردمی و کمیته‌های حفاظت در این حوزه امکان استفاده وجود دارد. وی افزود: تشکل‌های می‌توانند چشم‌بینی نهادهای بازرسی وزارت کار و تابعین اجتماعی باشند اما نه به عنوان بازرس! اگر تشکل‌های کارگری بخواهند نمایندگانی مانند بازرس و بسا همان اختیارات به کارگاه‌ها بفرستند و بازدید به عمل آورده و گزارش حقوقی تنظیم کنند، این اختیارات در قانون تعریف نشده و می‌دهند. تشکل‌ها می‌توانند در کنار بازرسین و وزارت کار قرار گیرند. مشکوری اضافه کرد: باتوجه به دشواری‌ها و کاستی‌های حوزه

بازرسی، تشکل‌های افرادی را می‌توانند داشته باشند که مانند دوره‌های گذشته اشاره کردیم، به عنوان مطلع و نیروی اجرائی کمکی در بازرسی حضور پیدا کنند و امکان استفاده از آن‌ها با وجود تعامل وزارت کار و تشکل‌ها وجود دارد.

این مدیر بازرسی وزارت کار تصریح کرد: در زمان آقای هفده تن همکاری به تشکل‌های و حوزه بازرسی به صورت رسیده بود و امروز هم می‌توان ظرفیت‌هایی در این حوزه به شکل قانونی آفرید. وی در پاسخ به سؤالی درباره امکان افزایش تعداد بازرسین وزارت کار موجود که از بنده وزارت بازرسی فعالان کارگری و خود وزیر کار اندک هستند، توضیح داد: در این حوزه باید مجوزاتی لازم برای استخدام و افزایش آموزش نیروهای بازرس از طریق سازمان‌های اداری و استخدامی صورت بگیرد. هم اکنون در چارت سازمانی سیستم بازرسی وزارت کار جای خالی وجود دارد، اما بر کردن این جضا می‌تواند در چارت بازرسی کار، نیازمند اخذ مجوزهایی است. این مدیر بازرسی وزارت کار در پایان تأکید کرد: البته چون آقای میدری عنوان استفاده می‌شده، این موضوع که تشکل‌های کارگری به حوزه بازرسی‌های فنی و روابط کاری کمک کنند، در کل کشورهای جهان مرسوم است. بطور کلی از ظرفیت مشارکت‌های اجتماعی شامل تشکل‌ها، نهادهای مردمی و کمیته‌های حفاظت در این حوزه امکان استفاده وجود دارد. وی افزود: تشکل‌های می‌توانند چشم‌بینی نهادهای بازرسی وزارت کار و تابعین اجتماعی باشند اما نه به عنوان بازرس! اگر تشکل‌های کارگری بخواهند نمایندگانی مانند بازرس و بسا همان اختیارات به کارگاه‌ها بفرستند و بازدید به عمل آورده و گزارش حقوقی تنظیم کنند، این اختیارات در قانون تعریف نشده و می‌دهند. تشکل‌ها می‌توانند در کنار بازرسین و وزارت کار قرار گیرند. مشکوری اضافه کرد: باتوجه به دشواری‌ها و کاستی‌های حوزه

بازرسی قانونی خود را افزایش دهد!

بازرسی قانونی خود را افزایش دهد!